

بررسی و تحلیل وضعیت اجتماعی زرتشتیان شهر یزد از انقلاب مشروطه تا سال ۱۳۲۰

مسعود دادبخش^۱

چکیده

شهر یزد از دیرباز به عنوان کانون اصلی زرتشتیان ایران به شمار می‌رفت و غالب زرتشتیان کشور تحت فشارهای اجتماعی و اقتصادی بسیار در این شهر زندگی می‌کردند. از دوران حکومت ناصرالدین شاه و با تلاش نمایندگان جامعه‌ی پارسیان هند، زرتشتیان ایرانی به تدریج از حقوق اجتماعی بیشتری برخوردار شدند و برخی از آنان توانستند به واسطه‌ی ارتباط حسنه با تجار پارسی هند و با استفاده از موقعیت تجاری مناسب شهر یزد به جایگاه اقتصادی و اجتماعی مناسبی دست یابند. با پیروزی انقلاب مشروطه و به دلیل حمایت‌های مالی و سیاسی زرتشتیان از این نهضت، موقعیت آنان در جامعه بهبود پیدا کرد و حتی به کرسی نمایندگی مجلس اول شورای ملی نیز دست پیدا کردند. زرتشتیان از نفوذ سیاسی و اقتصادی خود برای بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی هم‌کیشانان استفاده و مدارس و نهادهای اجتماعی و اقتصادی زیادی را در شهرهای ایران و به ویژه شهر یزد تأسیس کردند که این روند با شکل متفاوتی در دوران رضاشاه پهلوی نیز ادامه پیدا کرد. مسئله‌ی اصلی در پژوهش حاضر، بررسی وضعیت اجتماعی و اقتصادی پیروان این اقلیت مذهبی در شهر یزد در حد فاصل انقلاب مشروطه تا پایان دوره‌ی پهلوی اول است. در این پژوهش تلاش شده است با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی اسناد، کتاب‌های خاطرات، سفرنامه‌ها و سایر منابع و مکتوبات مرتبط با حوزه‌ی مورد بحث پرداخته شود. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که وضعیت اجتماعی و معیشتی زرتشتیان شهر یزد در حد فاصل انقلاب مشروطه تا سال ۱۳۲۰ بهبود پیدا کرده است.

واژه‌های کلیدی: وضعیت اجتماعی، زرتشتیان، یزد، انقلاب مشروطه، رضاشاه.

Dadbakhsh.Masoud@gmail.com

^۱ دانش‌آموخته‌ی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام (نویسنده‌ی مسئول)

مقدمه

با ورود اعراب به ایران و مسلمان شدن تدریجی بیشتر ایرانیان، دین زرتشت به دین اقلیت در کشور تبدیل شد و جمعیت پیروان آن به مرور زمان کاهش پیدا کرد. بخش زیادی از همین جمعیت اقلیت نیز رفته‌رفته به سمت هند مهاجرت کردند و جامعه‌ی پارسیان هند را تشکیل دادند. از همین رو، زرتشتیان باقیمانده در ایران خودخواسته یا ناخواسته و برای فرار از فشارهای اجتماعی رایج بر اقلیت‌های مذهبی از کانون‌های اجتماعی پر آشوب کشور دوری گزیدند و ساکن شهرهای آرام‌تر ایران شدند و شهر یزد به‌عنوان یکی از شهرهای باستانی ایران تبدیل به کانون اصلی تجمع زرتشتیان در کشور شد. درباره‌ی تاریخ زرتشتیان شهر یزد تا دوران قاجار اطلاعات زیادی در دسترس نیست؛ اما آن‌طور که از سفرنامه‌های دوره‌ی صفوی به بعد برمی‌آید پیروان این اقلیت مذهبی غالباً تحت فشارهای اجتماعی بودند و از نظر معیشتی در وضعیت مناسبی به سر نمی‌بردند.

با به قدرت رسیدن حکومت قاجار به تدریج اطلاعات ما درباره‌ی وضعیت معیشتی و اقتصادی زرتشتیان بیشتر از قبل می‌شود که این دوران مصادف است با وقوع انقلاب صنعتی و رشد تجارت و بازرگانی در جهان. ایران نیز از قرن ۱۹ میلادی و با تکیه بر تجارت خلیج فارس و بنادر جنوبی کشور وارد شبکه‌ی تجارت جهانی شد و در این بین شهر یزد به دلیل موقعیت جغرافیایی و ترانزیتی مناسب، تولید و صادرات محصولات صنعتی (مانند پارچه) و داشتن امنیت نسبی به یکی از مهمترین شهرهای اقتصادی ایران بدل گردید. (عزیزی و کرمان، ۱۳۹۴: ۲۳۲). اما جامعه‌ی زرتشتیان این شهر و سراسر ایران را کماکان اقلیتی کوچک، غالباً بی‌سواد، روستایی و کشاورز تشکیل می‌دادند که از انجام فعالیت‌های اقتصادی محروم بودند (کشاورزی، ۱۳۷۳: ۶۹۶-۶۹۷).

در همین دوران جامعه‌ی پارسیان هند در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی پیشرفت زیادی داشتند و بخش اعظم تجارت هند را در اختیار خود گرفتند.^۱ آنان در سال ۱۸۵۴م/۱۲۷۱ه.ق تشکلی به نام «انجمن رفاه زرتشتیان ایران»^۲ و صندوق اعانه‌ای برای کمک به زرتشتیان ایران ایجاد و نماینده‌ی خود مانکجی را در ۳۰ مارس ۱۸۵۴م. برای رسیدگی و اصلاح وضعیت هم‌کیشان خود به ایران اعزام کردند (میرحسینی، ۱۳۸۸: ۸۸؛ شهریاری، ۱۳۵۴: ۱۶-۲۲). وی به محض ورود به ایران اصلاحات اجتماعی گسترده‌ای را در میان جامعه‌ی زرتشتیان آغاز و مدارسی را در شهرهای یزد، کرمان و بعدها تهران تأسیس کرد (بویس، ۱۳۶۴: ۴۲۰-۴۲۸) و در سال ۱۲۹۹ه.ق فرمان لغو جزیه‌ی زرتشتیان ایران را از ناصرالدین شاه قاجار دریافت داشت (شهمردان، ۱۳۶۳: ۶۱۷).

به تدریج و در اواخر عهد ناصری با ایجاد روابط اقتصادی ایران با بازرگانان انگلیسی و هندی و باز شدن راه بنادر تجاری هندوستان به روی زرتشتیان یزد و کرمان باعث شد که بخشی از زرتشتیان ایران تبدیل به تجار و سرمایه‌داران مرفهی شوند و بخش دیگری نیز از روستاها به شهرها آمده و زیر نظر سرمایه‌داران بزرگ زرتشتی به خرده‌فروشی پارچه و خرید و فروش کالاهایی مانند پشم، روغن و شال در کاروانسراها بپردازند (کشاورزی، ۱۳۷۳: ۶۹۸).

پژوهش حاضر در تلاش است تا با بررسی اسناد و مکتوبات موجود و با تکیه بر سفرنامه‌ها و کتاب‌های خاطرات رجال سرشناس زرتشتی در این دوران پاسخی برای پرسش‌های زیر بیابد:

- ۱- ارتباط با جامعه‌ی پارسیان هند چه تأثیری در پیشرفت‌های اجتماعی زرتشتیان ایران داشته است؟
 - ۲- پیروزی انقلاب مشروطه چه تغییراتی در وضعیت اجتماعی و اقتصادی زرتشتیان شهر یزد ایجاد کرد؟
 - ۳- جامعه‌ی زرتشتی چه نقشی در قدرت‌گیری حکومت پهلوی داشتند و وضعیت اجتماعی آنان در دوران رضاشاه به چه صورت بوده است؟
- در این پژوهش برای جمع‌آوری منابع و اسناد از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است و این منابع با شیوه‌ی توصیفی و تحلیلی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. نکته‌ی قابل ذکر آنکه در این پژوهش برای ارجاع اسناد سازمان اسناد ملی کشور به اختصار از واژه‌ی اسناد ملی و برای اسناد مؤسسه‌ی تاریخ معاصر ایران از واژه‌ی تاریخ معاصر استفاده شده است.

پیشینه‌ی تحقیق

تاکنون پژوهش‌هایی نزدیک به موضوع تحقیق حاضر در قالب کتاب، مقاله و پایان‌نامه صورت پذیرفته است که در اینجا به معرفی اهم آن‌ها خواهیم پرداخت. جهانگیر اشیدری در بخش‌هایی از کتاب تاریخ پهلوی و زرتشتیان به صورت پراکنده به بررسی وضعیت اجتماعی و اقتصادی زرتشتیان یزد در دوران پهلوی و پیش از پهلوی پرداخته است. هرچند که بیشتر مطالب کتاب درباره‌ی دوره‌ی پهلوی و تا حدود زیادی جانب‌دارانه است (اشیدری، ۱۳۵۵). رشید شهمردان در کتاب تاریخ زرتشتیان پس از ساسانیان اشارات پراکنده‌ای به وضعیت اجتماعی و اقتصادی زرتشتیان شهر یزد در دوره‌های مختلف تاریخی دارد (شهمردان، ۱۳۶۰). همچنین، در کتاب تاریخ زرتشتیان، فرزندگان زرتشتی پژوهش‌های جامع‌ی درباره‌ی رجال سرشناس زرتشتی در دوره‌های مختلف تاریخی انجام داده است (شهمردان، ۱۳۶۳). تورج امینی نیز در بخش‌هایی از کتاب

اسنادی از زرتشتیان معاصر ایران اسنادی را درباره‌ی وضعیت اجتماعی و اقتصادی زرتشتیان یزد بررسی کرده است.

کتایون نمیرانیان قسمت‌هایی از کتاب زرتشتیان ایران پس از اسلام تا به امروز را به بررسی وضعیت اجتماعی زرتشتیان یزد اختصاص داده است (نمیرانیان، ۱۳۸۶)؛ لیکن بخش‌های زیادی از مطالب مطرح‌شده در این کتاب عیناً از نوشته‌های شهردان، اشیدری و امینی رونویسی شده است. با این توضیح که در پاره‌ای از موارد ارجاعی نیز به آنان نداده است. مرتضی نیک‌روش در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود «حیات اجتماعی و اقتصادی زرتشتیان یزد در عصر قاجار» را مورد بررسی قرار داده است (نیک‌روش، ۱۳۹۱). علی‌اکبر تشکری نیز در مقاله‌ای به بررسی «زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی زرتشتیان یزد در دوران قاجار» پرداخته است (تشکری، ۱۳۸۹). افسانه کنعانی موقوفات زرتشتیان یزدی را در دوران معاصر بررسی کرده (کنعانی، ۱۳۹۴) و فریبرز نسیمی خدمات اجتماعی آنان را در شهر یزد مورد واکاوی قرار داده است (نسیمی، ۱۳۴۲). جواد علیپور سیلاب در بخش‌های از پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود تحت عنوان «نقش سیاسی و فرهنگی زرتشتیان در دوره‌ی قاجار به بررسی وضعیت اجتماعی زرتشتیان یزد در دوران قاجار» پرداخته است (علیپور سیلاب، ۱۳۸۸). کشور کمایی نیز بخش‌هایی از پایان‌نامه‌ی خود را به بررسی وضعیت اجتماعی زرتشتیان یزد در حد فاصل حکومت ناصرالدین شاه تا پایان دوره‌ی قاجار اختصاص داده است (کمایی، ۱۳۸۵). زهره حمیدفر تأثیرات پارسیان هند را بر تحولات مذهبی و فرهنگی زرتشتیان یزد مورد توجه قرار داده است (حمیدفر، ۱۳۹۶). همچنین سهیلا یوسفی نیز در بخش‌هایی از پایان‌نامه‌ی خود با عنوان «مواضع دولت قاجار در برابر فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی زرتشتیان» به بررسی فعالیت‌های اجتماعی زرتشتیان یزد در دوره قاجار پرداخته است (یوسفی، ۱۳۹۷).

۱. وضعیت اجتماعی زرتشتیان یزد پیش از انقلاب مشروطه

در دوران پیش از مشروطه جمعیت زرتشتیان شهر یزد و اطراف آن حدود ۶ تا ۸۵۰۰ نفر برآورد شده است (دوگوبینو، ۲۶۴؛ دیولافوآ، ۱۳۶۱: ۳۹۹؛ اورسل، ۱۳۸۲: ۳۰۲؛ رسولی، ۱۳۸۲: ۱۴۵) که در شرایط اجتماعی نامناسبی زندگی می‌کردند و در خطر نابودی قرار داشتند (خانیکف، ۱۳۷۵: ۲۰۸ و ۲۱۸). آن‌طور که از بررسی سفرنامه‌های ابتدایی دوره‌ی قاجار برمی‌آید، با آنکه شهر یزد در این دوران تبدیل به یکی از مراکز تجاری مهم ایران و مرکز مبادلات تجاری و ترانزیتی مابین شهرهای خراسان، بغداد و ایروان با جنوب هندوستان شده بود، کماکان زرتشتیان این شهر در شرایط اجتماعی و اقتصادی نامناسبی به سر می‌بردند و

بیشتر به کشاورزی و پیشه‌وری مشغول بودند. هرچند که به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص یزد محصولات کشاورزی چندان زیادی نیز برداشت نمی‌کردند (پاتینجر، بی‌تا: ۳۱۱-۳۱۲؛ فلاندن، ۲۵۳۶: ۱۷۱ و ۲۳۱؛ اولیویه، ۱۳۷۱: ۱۱۴؛ دروویل، ۱۳۶۵: ۳۳۰-۳۳۱).

در رمضان سال ۱۲۹۹ه.ق/۱۸۸۲م. مانکجی، نماینده‌ی جامعه‌ی پارسیان هند در ایران، توانست فرمان لغو جزیه‌ی زرتشتیان را از ناصرالدین شاه قاجار دریافت کند. حمایت‌های دولت انگلستان از این اتفاق بی‌تأثیر نبود و باعث پررنگ‌تر شدن ارتباط پیروان این اقلیت مذهبی با انگلیسی‌ها شد، به طوری که برخی از جهانگردان و اتباع انگلیسی هنگام سفر به یزد در منزل بزرگان زرتشتی میهمان می‌شدند (سایکس، ۱۳۶۸: ۲۱۸/۲). مظفرالدین شاه نیز در سال ۱۳۱۶ه.ق فرمانی را در حمایت از زرتشتیان صادر کرد که این فرمان همراه با حمایت‌های جامعه‌ی پارسیان هند و دولت انگلستان باعث بهبود نسبی وضعیت زرتشتیان ایرانی و یزدی گردید (جکسن، ۱۳۸۷: ۴۲۵) و به تدریج ساختار اجتماعی جامعه‌ی زرتشتیان یزد را دچار تغییر کرد؛ به طوری که برخلاف زرتشتیان اطراف شهر - مخصوصاً زرتشتیان شهر تفت - که در این دوران بیشتر به کشاورزی و باغبانی مشغول بودند، بخشی از زرتشتیان یزدی از اواسط دوره‌ی ناصری به بعد به سمت تجارت و دادوستد گرایش پیدا کردند (همان، ۱۳۸۷: ۴۲۳). آنان همچنین به تولید و تجارت پارچه‌های حریر اعلی و گران‌قیمت نیز می‌پرداختند (دالمانی، ۱۳۳۵: ۸۰۴/۱-۸۰۵) نفوذ برخی از آنان تا حدی بالا رفته بود که عملاً قسمت عمده‌ی تجارت جنوب ایران را در اختیار خود داشتند (کرزن، ۱۳۷۳: ۲۹۴/۲-۲۹۵).

اگرچه این پیشرفت شامل حال بخش کوچکی از جامعه‌ی زرتشتیان یزد می‌شد و غالب زرتشتیان این شهر کماکان در برابر مسلمانان محدودیت شغلی داشتند و حتی اجازه‌ی فروش اغذیه و مواد غذایی را نیز نداشتند (جکسن، ۱۳۸۷: ۴۲۴). از همین رو به دلیل بیشتر شدن ارتباط زرتشتیان ایرانی با هم‌کیشان هندی خود در ۴۰ سال آخر منتج به انقلاب مشروطه (به ویژه در ۱۰ سال آخر) نزدیک به ۴۰۰۰ زرتشتی به بمبئی و اطراف آن مهاجرت کردند و به آشپزی و فروش شربت مشغول شدند. نکته‌ی جالب آنکه در ایام نزدیک به مشروطه حدود ۵۰ نفر از مسلمانان یزدی نیز با لباس زرتشتیان ایران به بمبئی و کراچی سفر کردند و به کار و شستن ظرف پرداختند (حبل‌المتین، ۱۳۲۳ق: ۱۶).

۲. وضعیت اجتماعی زرتشتیان شهر یزد از انقلاب مشروطه تا پایان دوره‌ی قاجار

از همان ابتدای تشکیل مجلس، بحث‌های مربوط به اقلیت‌های مذهبی بالا گرفت. طبق اصل دوم قانون مشروطه، مجلس شورای ملی نماینده‌ی تمامی ملت ایران بود^۳ اما تفاسیر از این اصل متفاوت بود و قصد بر

این بود که اقلیت‌های مذهبی حق خود را به مسلمانان تفویض کنند. یهودیان وکالت خود را در مجلس به سیدعبدالله بهبهانی و ارمنیان وکالتشان را به سیدمحمد طباطبایی سپردند؛ اما زرتشتیان این پیشنهاد را نپذیرفتند و ارباب جمشید به نمایندگی از زرتشتیان توانست نظر مساعد سیدعبدالله بهبهانی و سیدمحمد طباطبایی را جلب کند و به‌عنوان نماینده‌ی زرتشتیان وارد مجلس اول شود (صفایی، ۱۳۶۳: ۲۱۳/۱؛ اشیدری، ۱۳۵۵: ۱۲۷-۱۲۸؛ ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۵۷: ۵۸۳-۵۸۴).

ارباب جمشید جمشیدیان از تجار بزرگ زرتشتی یزد بود که به دلیل فعالیت‌های گسترده‌ی اقتصادی ارتباط خوبی با دربار پیدا کرد و در سال ۱۳۲۱ ه.ق از سوی مظفرالدین شاه ملقب به عنوان رئیس‌التجّار شد (امینی، ۱۳۸۰: ۹۱-۹۳). همچنین، شاه قاجار در مواقع لزوم حواله‌های خود را به نام تجارت‌خانه‌ی وی صادر می‌کرد^۴ (بهرامی، ۱۳۶۳: ۶۲). وی در جریان انقلاب مشروطه مبلغ بیست هزار تومان به مشروطه‌خواهان کمک کرد و توانست مبلغ ده هزار تومان هم از سایر زرتشتیان برای ایشان جمع‌آوری کند (مهر، ۱۳۴۸: ۱۰-۱۱). همچنین، بخشی از هزینه‌های تحصن در سفارتخانه‌های انگلستان و عثمانی نیز توسط وی تأمین شد (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۰۹-۲۱۰؛ امیرخیزی، ۱۳۳۹: ۴۷۹). ارباب جمشید علاوه‌بر زرتشتیان به مسلمانان و اماکن زیارتی آنان نیز کمک‌های مالی زیادی انجام می‌داد (شهردان، ۱۳۶۳: ۴۳۲؛ زارع، ۱۳۶۳: ۲۵۰) که همین امر باعث اعتراض بخشی از جامعه‌ی زرتشتیان به وی بود که معتقد بودند با توجه به میزان کمک‌های وی به مسلمانان می‌بایست سالانه حداقل پنجاه هزار تومان به زرتشتیان ایران کمک کند (تاریخ معاصر، شماره‌ی سند: ۴۷۲۷۱-۴۷۲۸۱؛ مهنامه‌ی زرتشتیان، ۱۳۵۱: ۵۸).

وی در مجلس اول به‌عنوان کارپرداز فعالیت می‌کرد و به هنگام جمع‌آوری پول از مردم برای تأمین سرمایه‌ی تأسیس بانک ملی حجره‌ی وی یکی از مراکز قبول دریافت وجوه مردمی و خرید سهام تعیین شد (حبل‌المتین، ۱۳۲۴ ه.ق: ۶؛ مذاکرات مجلس، ۱۳۲۴: جلسه‌ی پنجم). با تمام این اوصاف، او به دلیل درگیری‌های تجاری، کم‌سواد و داشتن خوئی آرام در هیچ‌کدام از مباحثات مجلس شرکت نمی‌کرد. از همین رو، در مجلس دوم علاقه‌ای به حضور از خود نشان نداد و وکالت مجلس را به ارباب کیخسرو شاهرخ واگذار کرد.

آن‌طور که از مشروح مذاکرات مجلس برمی‌آید، مجلس شورای ملی در بدو تأسیس برای بهبود وضعیت زرتشتیان یزد تلاش کرد. هر چند که مردم یزد منکر اذیت و آزار پیروان این اقلیت مذهبی بوده‌اند: «... ما اهل یزد همیشه همراهی با اهل ذمه داشته و داریم هیچ‌وقت در صدد اذیت زرتشتیان برنیامده که تا حال برآئیم البته خاطر مبارک علماء اعلام از این جهت آسوده و راحت باشد یقین این‌گونه تفتین [فتنه اندازی] و فساد از مخالفین و معاندین است» (مذاکرات مجلس، ۱۳۲۴ ه.ق، جلسه‌ی نهم).

هر چند که تنها کمتر از دو ماه بعد از مطرح شدن بحث متمم قانون اساسی در تاریخ ۲۹ ذی الحجه ۱۳۲۴ ه.ق/۱۳ فوریه ۱۹۰۷ ارباب پرویز شاه جهان (جهانیان)، از بنیان گذاران تجارتخانه‌ی جهانیان و یکی از افرادی که در جمع آوری سرمایه برای تأسیس بانک ملی کوشش می کرد، در یزد به قتل رسید که این امر باعث شد پارسیان هند از حمایت مادی و معنوی خود نسبت به تأسیس بانک ملی دلسرد شوند (براون، ۱۳۲۹: ۱۳۵-۱۳۶؛ اشیدری، ۱۳۵۵: ۲۴۳).

آن طور که مشخص است، با آنکه مشروطه پیروز شده بود و متمم قانون اساسی از برابری اقلیت‌های مذهبی با مسلمانان در مسائل عرفی صحبت می کرد، باز هم نگاه‌ها به زرتشتیان و به ویژه زرتشتیان شهر یزد نگاه برابر نبوده است (کتاب آبی، ۱۳۶۲: ۲۷). یکی از روحانیون یزد به نام آقا سیدیحیی تنها یک خواسته از نماینده‌ی شهرشان در هنگام مراجعه به مجلس داشت و آن این بود که نگذارد زرتشتیان لباسی به مانند مسلمانان به تن کنند (صوراسرافیل، سال اول، ۱۳۲۵ ه.ق: ش ۴/۱۷) که نشان از نگاه تبعیض آمیز به این اقلیت پرشمار در یزد دارد. نکته‌ی جالب آنکه عبدالکریم، نماینده‌ی یزد، نیز به رسالت خویش جامه‌ی عمل پوشاند و در اولین اظهارنظرهای خود در مجلس شورای ملی برای آزادی فردی که متهم به قتل ارباب پرویز بود وساطت کرد (مذاکرات مجلس، ۱۳۲۵ ه.ق: جلسه‌ی ۱۶۵). زرتشتیان یزدی حتی اجازه نداشتند که از شیر آب مسلمانان استفاده کنند و در آب انبارهای اطراف یزد دو شیر متفاوت برای آن‌ها تعبیه می شد. در هفتم ربیع‌الاول ۱۳۳۸ ه.ق آب خوردن یک زرتشتی از سقاخانه‌ای در یزد باعث به وجود آمدن اعتراضات گسترده‌ای در یزد شد و کار به دخالت وزارت داخله نیز کشیده شد (امینی، ۱۳۸۰: ۴۰۱-۴۰۲).

همچنین، آن طور که از نوشته‌ها و اسناد برمی آید یکی از بهترین طعمه‌های راهزنان در این ایام زرتشتیان یزد و مال‌التجاره‌های مربوط به آنان بود. آشفتگی‌های این دوران باعث شده بود که حتی راهزنان نیز به بهانه‌های واهی مانند هم‌رنگ بودن لباس زرتشتیان با مسلمانان در بین راه از آنان اخاذی کنند (روزنامه‌ی وقایع جانگداز یزد الی شیراز، ۱۳۲۹ ه.ق: ۳)؛ و یا به روستاها، زیارتگاه‌ها و محله‌های زرتشتی نشین اطراف یزد حمله و به مضروب کردن، سرقت اموال و حتی قتل آنان و کودکانشان اقدام کنند (امینی، ۱۳۸۰: ۳۹۶-۳۹۷، ۴۰۰-۴۰۱، ۴۰۳-۴۰۵؛ کتاب آبی، ۱۳۶۲: ۳۸۴).

بی تردید بزرگترین درگیری بین زرتشتیان و مسلمانان یزد مربوط به تلاش ارباب کیخسرو برای تغییر پوشش محصلین زرتشتی این شهر بود. ارباب کیخسرو شاهرخ که سال‌ها پیش و در ابتدای مشروطه توانسته بود لباس‌های زرتشتیان کرمان را تغییر دهد، در سال ۱۲۹۹ ش تلاش بسیاری انجام داد که با تغییر لباس محصلین

یزدی به تدریج راه را برای تغییر لباس تمام زرتشتیان یزد هموار کند که این اتفاق موجب درگیری‌های بسیار گسترده‌ای بین مسلمانان و زرتشتیان گردید و حتی پای علمای بزرگی مانند عبدالکریم حائری یزدی، محمد حائری مازندرانی و پارسیان هند نیز به این درگیری‌ها باز شد (امینی، ۱۳۸۰: ۴۱۰-۴۴۹). کیخسرو شاهرخ همچنین توانست در سال ۱۳۰۲ ش رفع ممنوعیت سوار شدن زرتشتیان بر حیوانات را کسب کند (فروزان، ۱۳۸۷: ۱۲).

هر چند که رفتارهای نامناسب با زرتشتیان یزد و کرمان تا پایان حکومت قاجار ادامه داشت، به طوری که در کوچه و خیابان آنان را مورد اذیت و آزار و تعرض و ضرب و شتم قرار می‌دادند (امینی، ۱۳۸۰: ۴۷۳-۴۷۶) و حکومت مرکزی به دلیل آشفتگی‌های داخلی و یا به دلیل عدم تمایل به درگیری با روحانیون افراطی معمولاً پیگیری جدی برای حل و فصل کردن این معضلات انجام نمی‌داد. به نظر می‌رسد که همین امر باعث افزایش مهاجرت بخشی از زرتشتیان یزد و کرمان به تهران شده بود. به طوری که جمعیت زرتشتیان تهران از ۱۵۰ نفر در اواخر دوره ناصر در سال ۱۳۲۵ ه. ق به ۵۴۰ نفر، در سال ۱۳۲۸ ه. ق به ۵۷۳، در سال ۱۳۳۱ ه. ق به ۶۸۷ و در سال‌های ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ ش به ۸۱۸ نفر رسید (اورسل، ۱۳۸۲: ۳۰۲؛ پوررستمی، ۱۳۸۷: پیوست ۱۷؛ اشیدری، ۱۳۵۵: ۸۶).

۱-۲- درگیری میان جامعه‌ی زرتشتیان یزد

علاوه بر اختلافات گسترده با مسلمانان، زرتشتیان یزدی در این دوران یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های داخلی خود را تجربه کردند. بهائی شدن بخشی از جامعه‌ی زرتشتی یزد و اختلافات و درگیری‌های اردشیر جی، نماینده‌ی جامعه‌ی پارسیان هند، با ارباب کیخسرو شاهرخ دلیل وقوع این بحران‌ها بود. سیدمحمد کمره‌ای دلیل درگیری‌های ارباب کیخسرو و اردشیر را حسادت‌های ارباب کیخسرو می‌داند. وی در خاطرات خود به ملاقاتش با اردشیر جی در روز چهارشنبه ۱۴ شوال ۱۳۳۸ ه. ق / ۱۰ تیر ۱۲۹۹ ش اشاره کرده و از قول وی می‌نویسد: «...گفت ارباب کیخسرو که از خائنین و مزورین است و پدرش فالگیر و مفلوک بود و حالا به واسطه‌ی شارلاتانی چون کفالت فقرای زرتشتی‌ها از بمبئی به عهده‌ی من واگذار شده بود و او به شارلاتانی پیش برد و استفاده‌ها از آن کار کرد مرا در انظار ضایع می‌کند که قبایح اعمال او را که من افشا می‌نمایم بی‌اثر باشد» (کمره‌ای، ۱۴۸۲/۲). با وجود این، آن‌طور که به نظر می‌رسد دلیل اصلی شروع اختلافات، حمایت‌های اردشیر جی از متجددین زرتشتی و زرتشتیان بهائی‌شده (احبا) و دخالت‌های وی در انتخابات انجمن زرتشتیان یزد بود که باعث بروز اختلافات زیادی بین اردشیر، انجمن‌های زرتشتی و ارباب کیخسرو شد. از زمان حضور کیخسرو جی (نماینده‌ی دوم جامعه‌ی پارسیان هند در ایران) در یزد و پس از راه‌اندازی مجدد انجمن زرتشتیان این شهر

عده‌ای از همفکران وی - که شائبه‌ی بهائی شدنشان بود - به عضویت این انجمن درآمدند. در دوره‌ی اردشیر جی نفوذ این افراد به واسطه‌ی پشتیبانی وی از آنان بیشتر از قبل شد و این افراد مانند ماستر خدابخش، جوانمرد شیرمرد و کیومرث وفادار^۵ مسئولیت تعلیم کودکان در مدرسه‌ی کیخسروی یزد را در دست داشتند (فروهر، ۱۳۵۸: ش ۱۵۴/۳؛ همان، ۱۳۵۹: ش ۱۱ و ۱۲/۱۲-۴۷۰/۴۷۱). نکته آن‌که در مدارس خسروی و کیخسروی که مهمترین مدارس زرتشتی یزد در دوران قاجار بودند علاوه بر دانش‌آموزان زرتشتی بهائیان نیز به تحصیل می‌پرداختند (افخمی، ۱۹۸۶: ۱/۴).

درگیری‌های میان زرتشتیان و احبای یزد در این دوران به دلیل اقدامات سیاوش سفیدوش اوج گرفت. وی از زرتشتیان بهایی‌شده‌ی (احبا) یزد بود که نشریه‌ای در حمایت از بهائیت منتشر می‌کرد و به تبلیغ این آئین در میان زرتشتیان می‌پرداخت. موبدان یزدی در مقابل رفتارهای وی شرکت در مراسم مذهبی مربوط به احبا را تحریم کردند و اجازه‌ی استفاده از گوردخمه‌های خود را برای مرده‌های آنان نمی‌دادند. از همین رو، سیاوش و سایر احبای یزدی با اجازه‌ی عبدالباها گورستانی مستقل به نام گلستان جاوید برای خود ساختند و مجوز دفن مرده‌های خود را از دستور دستوران کرمان و انجمن ناصری یزد که بهائیان در آن نفوذ داشتند گرفتند. هرچند که این گورستان نیز توسط زرتشتیان متعصب یزدی تخریب شد (سفیدوش، بی‌تا: ۱۰۶-۱۱۵، ۱۲۲-۱۲۳). زرتشتیان متعصب همچنین اقدام به آزار و اذیت احبا می‌کردند (مازندرانی، بی‌تا: ۹۳۶-۹۳۷).

اردشیر جی برای آرام کردن اوضاع در ابتدای سال ۱۳۳۴ ه.ق به یزد سفر و ضمن دعوت بر اتحاد و وحدت، حمایت خود را از زرتشتیان بهائی‌شده اعلام کرد. از سوی دیگر، بزرگ جامعه‌ی زرتشتیان هند (جیون جی مدی) در بیانیه‌ای اعلام کرد که بهائیت یک طریقه‌ی فکری جدید مانند صوفیگری بوده و این‌که فردی همزمان بهائی و زرتشتی باشد منافاتی با آیین زرتشت ندارد. نکته‌ی جالب آنکه وی ارتباط با جامعه‌ی بهائیت را به زعم خود راهکاری برای نجات از دست مسلمانان می‌دانست (سفیدوش، بی‌تا: ۱۲۳-۱۲۶).

با تمام این اوصاف زرتشتیان متعصب و افراطی یزد انجمنی به نام انجمن حق‌گوی یزد تشکیل دادند که در اولین اقدام ماستر خدابخش، از بزرگترین حامیان احبای یزد، را در برابر مدرسه کیخسروی ترور کردند (شهمردان، ۶۰۳-۶۰۵؛ اسناد ملی: ۲۹۳/۶۰۴۲). ماستر خدابخش چنان برای جامعه‌ی بهائیت ایران حائز اهمیت بود که عبدالباها به مناسبت کشته شدن وی بیانیه‌ای صادر کرد (مازندرانی، بی‌تا: ۹۷۳).

در خلال درگیری‌ها، اردشیر جی انجمن زرتشتیان یزد را با حمایت‌های پارسیان هند و دخالت کنسولگری انگلستان تعطیل کرد و پس از چندی از ایران خارج گردید (اسناد ملی: ۲۹۳/۶۰۶۲). این اتفاق موجب کدورت میان ارباب کیخسرو و کنسولگری انگلستان شد (شاهرخ، ۱۳۸۲: ۳۵-۳۶).

انجمن زرتشتیان تهران در نامه‌ای که به تاریخ نوزدهم محرم ۱۳۳۷ه.ق/ ۲ آبان ۱۲۹۷ ش به حسن مشیرالدوله، ریاست‌الوزرای وقت ایران، فرستادند، اعتراض انجمن‌های زرتشتی کرمان و یزد را از اردشیر جی مطرح کردند و خواستار عدم بازگشت وی به ایران شدند. (تاریخ معاصر: ۱۷۰۸۹-۱۷۰۹۰ن). در نامه‌ای بدون تاریخ، مشیرالدوله اعلام کرد پاسخ ایشان را برای انجام اقدامات لازم به وزارت خارجه ابلاغ کرده است (همان: ۱۷۰۸۲ن). هر چند با تمام تلاش‌های صورت گرفته توسط جمعی از زرتشتیان، اردشیر جی مجدداً به‌عنوان نماینده‌ی جامعه‌ی پارسیان به ایران بازگشت.

با تمام این اوصاف و همان‌طور که ذکر شد، اردشیر ریپورتر حامیانی نیز در میان زرتشتیان تجددخواه ایران داشت. در نامه‌ای که پس از بازگشت وی و از سوی جمعی از زرتشتیان شهر و دهات یزد به رئیس‌الوزرای وقت رسید، این جمع اردشیر را فردی خیرخواه با منویاتی مثبت معرفی و حمایت خودشان را به‌عنوان نمایندگان جامعه‌ی زرتشتی از وی اعلام کردند و نظر مخالفان او را در جامعه‌ی زرتشتیان ایران مقبول ندانستند (تاریخ معاصر: ۴۷۵۵۰-ن).

نکته‌ی جالب آن‌که احبا به دستور عبدالبها (عباس افندی) ارتباط خود را با ارباب جمشید نیز حفظ کردند و ارباب جمشید به نوعی از حامیان احبای تهران به حساب می‌آمد و عبدالبها مکتوبات زیادی در ستایش از وی دارد (عبدالبها، ۴۹-۵۷). در حالی که ارباب کیخسرو شاهرخ به دلیل حمایت نکردن از جامعه‌ی بهائیت و احبا همواره مورد سرزنش عبدالبها قرار داشت (نیکو، ۱۳۹۰: ۳۳۶/۲-۳۳۸).

۲-۲- تأسیس مدارس زرتشتی در یزد

با حضور مانکجی در ایران ساختار آموزشی زرتشتیان متحول شد. وی عامل عقب‌افتادگی زرتشتیان را بی-سوادی و ناآگاهی ایشان می‌دانست. از این‌رو، در همان سال‌های ابتدایی حضور در ایران به ساخت ۱۱ مدرسه و مکتب‌خانه در شهرهای یزد و کرمان و دهات‌های اطراف اقدام کرد. با وجود این، به نظر می‌رسد که سیستم آموزشی مدارس یزد و کرمان چندان نظر مانکجی را به خود جلب نمی‌کرد، از این‌رو در سال ۱۲۴۵ه.ق/ ۱۲۴۵ ش تعدادی از کودکان زرتشتی کرمان و یزد را به تهران آورد و دبستان شبانه‌روزی زرتشتیان تهران را پایه‌گذاری کرد (Karaka, 1884: 85). مانکجی پس از تربیت نسل اول کودکان زرتشتی به ساخت

دبستان‌های نوین در یزد و کرمان اقدام کرد و از همان دانش‌آموزان دیروز به‌عنوان معلم بهره برد. به‌طور مثال، وی جوانمرد شیرمرد را به یزد و میرزاافلاطون را به کرمان فرستاد تا تعلیم و تربیت نسل بعدی محصلان زرتشتی را برعهده بگیرند (شهمردان، ۱۳۶۳: ۶۲۸، ۶۳۸-۶۳۹؛ اشیدری، ۱۳۵۵: ۴۵۱-۴۵۳).

پس از مانکجی، کیخسرو جی به‌عنوان نماینده‌ی انجمن اکابر پارسی به ایران آمد. در دوران وی ۷ مدرسه‌ی زرتشتی در یزد فعالیت داشتند (اشیدری، ۱۳۵۵: ۴۱۲). با حضور اردشیرجی در ایران روند ساخت مدارس زرتشتی ادامه پیدا کرد. در این ایام علاوه بر ساخت مدارس پسرانه، به دلیل حمایت‌های اردشیر از تحصیل دختران به تعداد مدارس دخترانه‌ی زرتشتی افزوده شد. کیومرث وفادار اولین مدرسه‌ی دخترانه یزد را بنا کرد و خسرو شاه‌جهان نیز که از نتیجه‌ی کار خشنود شده بود دبستان دخترانه‌ی را به خرج تجارتخانه‌ی جهانیان در یزد افتتاح کرد (شهمردان، ۱۳۶۳: ۴۷۰، ۵۸۸).

از آنجا که تعداد زیادی از مدارس زرتشتی با کمک‌های مادی پارسیان هند ساخته می‌شد و حاضر به رعایت قوانین آموزشی کشور و سرفصل‌های تعیین‌شده توسط وزارت علوم نبودند، در سال ۱۳۳۴ه.ق/۱۲۹۵ش وزارت معارف در نامه‌ای از وزارت امور خارجه درخواست کرد صدور امتیاز فعالیت این مدارس را موکول به رعایت شروط ۲۵ گانه‌ی وزارت معارف کند؛ که طبق آن، این مدارس می‌بایست تمامی برنامه‌ها و سرفصل‌های تحصیلی وزارت معارف را رعایت می‌کردند، زبان فارسی و دروس مربوط به ایران را در اولویت آموزشی خود قرار می‌دادند و همچنین طبق مواد این بخشنامه تدریس کلیه‌ی دروس مذهبی به غیر از شرعیات اسلام ممنوع اعلام شد (اسناد وزارت امور خارجه، ک ۲۸: پ ۳۸؛ طاهر احمدی، ۱۳۷۸: ۳۱).

در سال‌های پایانی دوره‌ی قاجار مدارس زرتشتی به تدریج زیر نظر وزارت معارف قرار گرفتند و برنامه‌های درسی و امتحانی آن‌ها از سوی این وزارتخانه ابلاغ می‌گردید و دانش‌آموزان موظف بودند در پایان دوره‌ی شش‌ساله‌ی ابتدایی در امتحان سراسری شامل دروس تاریخ ایران، جغرافیا، فرهنگ، دستور زبان فارسی، حساب، هندسه‌ی مقدماتی، سیاق مقدماتی، انشاء، تعلیمات مدنی، عربی و... شرکت کنند (اسناد ملی: ۲۹۷/۱۲۱۹۲).

زرتشتیان در اواخر دوره‌ی قاجار مدارس زیادی در یزد و اطراف آن داشتند که برخی از آنان پیش از مشروطه تأسیس شده بودند. مدارس مورد استفاده‌ی زرتشتیان یزد در این ایام عبارت بودند از: مدرسه‌ی کیخسروی یزد (۱۲۶۸ه.ش/۱۳۰۶-۱۳۰۷ه.ق)، مدرسه‌ی پسرانه‌ی خدادادی (۱۲۶۸ه.ش/۱۳۰۶-۱۳۰۷ه.ق)، مدرسه‌ی پسرانه‌ی روستای قاسم‌آباد یزد (۱۲۷۳ه.ش/۱۳۱۱-۱۳۱۲ه.ق)، مدرسه‌ی روستای راحت‌آباد تفت

(۱۲۷۸ ه.ش/۱۳۱۶-۱۳۱۷ ه.ق)، مدرسه‌ی هرمزدیاری (۱۲۷۹ ه.ش/۱۳۱۷-۱۳۱۸ ه.ق)، مدرسه‌ی دخترانه‌ی خرمشاه (۱۲۸۲ ه.ش/۱۳۲۱ ه.ق)، مدرسه‌ی میسیون‌های مسیحی (۱۲۸۳ ه.ش/۱۳۲۲ ه.ق)، مدرسه‌ی جاماسبی اهرستان یزد (۱۲۸۵ ه.ش/۱۳۲۴-۱۳۲۵ ه.ق)، دبستان خسروی یزد (۱۲۸۵ ه.ش/۱۳۲۴-۱۳۲۵ ه.ق)، مدرسه‌ی پسرانه‌ی خیرآباد یزد (۱۲۸۶ ه.ش/۱۳۲۵-۱۳۲۶ ه.ق)، مدرسه‌ی اله‌آباد (۱۲۸۶ ه.ش/۱۳۲۵-۱۳۲۶ ه.ق)، مدرسه‌ی روستای مزرعه‌ی کلاتری یزد (۱۲۹۱ ه.ش/۱۳۳۰-۱۳۳۱ ه.ق)، دبستان دینیاری (۱۲۹۴ ه.ش/۱۳۳۳-۱۳۳۴ ه.ق)، دبستان دخترانه‌ی ایران‌دخت (۱۲۹۸ ه.ش/۱۳۳۷-۱۳۳۸ ه.ق)، پرورشگاه و مدرسه‌ی شبانه‌روزی ایتم زرتشتیان یزد (۱۳۰۱ ه.ش)، مدرسه‌ی دخترانه‌ی هوشنگ (۱۳۴۲ ه.ق/۱۳۰۲-۱۳۰۳ ه.ش) و مدارس نرسی‌آباد و شریف‌آباد که تاریخ تأسیس آن‌ها به درستی مشخص نیست (قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۵۳۴-۵۳۷؛ تشکری باقی، ۱۳۷۷: ۲۱۵-۲۱۶).

۲-۳- انجمن‌های زرتشتی شهر یزد

با به وجود آمدن ارتباطات بیشتر مابین پیروان اقلیت دینی زرتشتی در ایران و هند، به تدریج پارسیان هند خود را مؤلف به پیگیری و بهبود وضعیت زرتشتیان ایران دانستند و در سال ۱۲۷۱ ه.ش/۱۲۳۳ ه.ش انجمنی به نام «انجمن بهبود حال زرتشتیان ایران» یا «انجمن اکابر پارسیان هند» توسط آنان تشکیل شد که هدف آن بهبود وضعیت معیشتی و اجتماعی زرتشتیان ایران بود (پوررستمی، ۱۳۸۷: ۵۰-۵۱).

آن‌طور که از سفرنامه‌ی دو روششوار فرانسوی برمی‌آید، زرتشتیان ایرانی در دوران ناصری انجمنی مشکل از ۴۵ عضو تشکیل داده بودند که جلسات آن در تهران برگزار می‌شد (دوروششوار، ۱۳۷۸: ۱۵۸). هرچند به دلیل آنکه منابع دیگر به آن اشاره‌ای نداشته‌اند، می‌توان حدس زد که جلسات آن نیمه‌مخفیانه بوده و تداوم چندانی نداشته است.

با حضور نمایندگان پارسیان در ایران در کنار تلاش‌های آنان برای اصلاح و بهبود وضعیت معیشتی زرتشتیان ایران؛ اصلاح ساختار دینی، مدیریتی و نظارتی ایشان نیز مد نظر قرار گرفت و انجمن زرتشتی در شهر یزد توسط مانکجی تأسیس شد (اشیدری، ۱۳۵۵: ۲۵۵-۲۵۶؛ نمیرانیان، ۱۳۸۶: ۴۳۷) که وظیفه‌ی حل و فصل کلیه‌ی امور مرتبط با زرتشتیان را در آن منطقه برعهده داشتند. (شهزادی، ۱۳۴۵: ۵۲).

این انجمن با مرگ مانکجی تعطیل شد تا آنکه حدود سال ۱۳۰۹ ه.ش/۱۲۷۰ ه.ش با تلاش کیخسرو جی مجدداً انجمنی با نام «انجمن ناصری زرتشتیان یزد» تأسیس گردید که پس از پیروزی انقلاب مشروطه عبارت «ناصری» از نام آن حذف و به «انجمن زرتشتیان یزد» موسوم گردید. به تدریج در دهات زرتشتی‌نشین اطراف

یزد نیز انجمن‌های زرتشتی تأسیس شد که مسئولیت تمام مسائل اجتماعی جامعه‌ی زرتشتیان از قبیل ازدواج، طلاق، ارث و میراث، سرپرستی مؤسسات مربوط به متوفایان و موقوفات، تأسیس مراکز فرهنگی، آموزشی و عام‌المنفعه و رسیدگی به آن‌ها و حفظ و نگهداری سرمایه‌های منقول و غیرمنقول جماعت زرتشتی را برعهده گرفتند (فروهر، ۲۵۳۷: ۲).

در اواخر حکومت قاجار براساس قانون مصوب مجلس شورای ملی نظارت و سرپرستی تمامی موقوفات کشور در اختیار وزارت معارف قرار گرفت، با وجود این به دلیل تلاش‌های انجمن‌های زرتشتی و نفوذ گسترده‌ی آن‌ها در میان جامعه‌ی زرتشتی ایران، وزارت معارف در تاریخ ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۳۳۲ ه. ق موقوفات زرتشتیان را از این قاعده مستثنی اعلام کرد و سرپرستی این موقوفات را نیز در اختیار انجمن‌های زرتشتی هر منطقه قرار داد (اسناد ملی: ۲۵۰/۶۹۳). انجمن‌های زرتشتی یزد در این دوران عبارت بودند از:

۱- انجمن زرتشتیان یزد که وظیفه‌ی نظارت بر اماکن وقفی و ثبت احوال زرتشتیان از قبیل تولد، مرگ و ازدواج آنان را برعهده داشت و برای تأمین هزینه‌های خود از موقوفات مختلف جامعه‌ی زرتشتی یزد استفاده می‌کرد (اشیدری، ۱۳۵۵: ۲۸۶؛ نمیرانیان، ۱۳۸۶: ۴۴۴-۴۴۷)؛

۲- انجمن خیرخواه زرتشتیان یزد که هدف آن نظارت بر امور اجتماعی، مذهبی و اقتصادی جامعه‌ی زرتشتی و انجام اصلاحاتی در آن حوزه‌ها بود، هرچند که در امور مربوط به انجمن زرتشتیان یزد بدون اجازه و تصویب آن انجمن اجازه‌ی ورود و دخالت را نداشت (اشیدری، همان: ۲۸۹)؛

۳- انجمن زرتشتیان شریف‌آباد که در سال ۱۲۷۶ ه. ش/۱۳۱۳-۱۳۱۴ ه. ق و با هدف اداره و سرپرستی امور دینی، آموزشی و اجتماعی و رسیدگی به موقوفات زرتشتیان اطراف یزد تأسیس شد (پوررستمی، ۱۳۸۷: ۴۰۰-۴۰۱)؛

۴- انجمن موبدان یزد (کنکاش) که در سال ۱۲۹۴ ه. ش/۱۳۳۳-۱۳۳۴ ه. ق با هدف هماهنگی در برگزاری آئین‌ها و مراسم دینی و فرهنگی زرتشتیان، رسیدگی به امور داخلی موبدان و رفع اختلافات بین آن‌ها، پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی و... در یزد هیئتی به نام «کنگره‌ی آتورنان» به وجود آمد که پس از چند ماه با پیشنهاد ارباب کیخسرو شاهرخ به کنکاش موبدان موسوم شد (کنکاش موبدان، ۱۳۵۹: ۵-۷؛ آذرگنسب، ۱۳۶۹: ۶؛ نادری، ۱۳۸۲: ۶۴).

۳. وضعیت اجتماعی زرتشتیان شهر یزد در دوران حکومت رضاشاه پهلوی

با تمام تلاش‌هایی که مشروطه‌خواهان انجام دادند، حد فاصل پیروزی مشروطه تا کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ه.ش سال‌های هرج‌ومرج داخلی، درگیری‌های ایدئولوژیک، فرقه‌گرایی و نفوذ قدرت‌های خارجی در ایران بود؛ به طوری که باعث گردید حتی بخشی از قشر روشنفکر ایران هم به دنبال یک فرمانروای مستبد، نیرومند و مصلح باشد (اشرف‌نظری، ۱۳۸۶: ۱۴۲-۱۴۳). زرتشتیان نیز که از هرج‌ومرج‌های این دوران به تنگ آمده بودند از قدرت‌گیری فردی با تفکرات و تمایلات ناسیونالیستی و متمایل به باورهای باستانی حمایت نسبی می‌کردند. از همین رو، انجمن زرتشتیان تهران و پارسیان هند در جریان قدرت‌گیری رضاخان از او حمایت مالی و سیاسی به عمل آوردند (اشیدری، ۱۳۵۵: ۵۲، ۷۷). همچنین، در جریان جمهوری خواهی بخش زیادی از زرتشتیان یزد در حمایت از این لایحه در فروردین ۱۳۰۳ ه.ش تحصن کردند و چادر زدند (امینی، ۱۳۸۰: ۵۹۴). در جریان تصمیم‌گیری برای انتخاب رضاخان به پادشاهی ایران نیز کیخسرو شاهرخ و فرزندش افلاطون که به نمایندگی از زرتشتیان در این مجلس شرکت داشتند به سلطنت رضاشاه رأی دادند و پس از انتخاب وی نامه‌های تبریک‌آمیز زیادی از زرتشتیان سراسر جهان به او ارسال شد (امیرطهماسب، ۱۳۰۵: ۴۴۲، ۵۰۰، ۶۳۳، ۶۵۶-۶۵۷).

در دوران حکومت رضاشاه وضعیت اجتماعی، اقتصادی و معیشتی جامعه‌ی زرتشتی بهبود و تبعیضات صورت گرفته علیه آنان کاهش یافت و از حقوق اجتماعی و سیاسی بهتری برخوردار شدند. نکته‌ی جالب آنکه با توجه به بهبود اوضاع معیشتی جامعه‌ی زرتشتی در ایران روند مهاجرتی آنان معکوس شد و بازگشت پارسیان هند به ایران افزایش یافت (ریچاردز، ۱۳۷۹: ۲۱۶، ۲۲۳؛ کازاما، ۱۳۸۰: ۱۶۹-۱۷۰).

رضاشاه که با تکیه بر آرمان‌های ناسیونالیستی و توسل به ابعاد باستانی تاریخ ایران برای حکومت خود کسب مشروعیت می‌کرد تلاش داشت تا نظر پارسیان هند را برای سرمایه‌گذاری در صنعت ایران جلب کند (دستمالچی، ۱۳۸۳: ۳۰). در آن دوران حتی شایعاتی در میان پارسیان رواج یافت مبنی بر آنکه قراردادهایی بین پارسیان و رضاشاه امضا شده تا در عوض حضور و سرمایه‌گذاری ایشان در ایران منطقه‌ای را در نزدیکی تخت جمشید در اختیار پارسیان قرار دهد تا بتوانند برای خود کلنی‌هایی برپا کنند (هوا واله، ۱۳۴۴: ۱۰۹).

به طور کلی، زرتشتیان ایران و به ویژه زرتشتیان شهر یزد پس از به قدرت رسیدن رضاشاه شرایط متفاوتی را تجربه کردند. آنان از یک طرف به‌عنوان پیروان دین باستانی ایران مورد احترام و تکریم قرار گرفتند و از شرایط اجتماعی بهتری برخوردار شدند و از طرف دیگر، به دلیل تمایلات تمرکزگرایانه‌ی رضاشاه بخش زیادی از استقلال عمل خود را در حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی خود از دست دادند. نکته‌ی دیگر آنکه در این دوران نیز دزدیده شدن دختران

زرتشتی یزد و اطراف آن با تمام ترتیبات صورت گرفته کاهش یافت اما همچنان ادامه داشت (امینی، ۱۳۸۰: ۳۴۵-۳۶۳).

۱-۳- مدارس زرتشتیان یزد در دوران رضاشاه

طبق آمار سال تحصیلی ۱۳۱۹-۱۳۲۰ ه.ش که مصادف با آخرین سال حکومت رضاشاه بر ایران بود، در شهر یزد مجموعاً ۱۴۴۰۶ دانش‌آموز در ۹۶ دبستان، ۹ دبیرستان پسرانه، ۳ دبیرستان دخترانه، یک دانشسرای مقدماتی پسرانه و یک دانشسرای مقدماتی دخترانه مشغول به تحصیل بودند (سالنامه و آمار ۱۳۱۹-۱۳۲۰ ه.ش: ۶، ۳۰، ۷۱). آن‌طور که به نظر می‌رسد در این ایام مدارس و مؤسسات آموزشی زرتشتی نقش پررنگی در جامعه‌ی آموزشی یزد ایفا می‌کردند. هرچند که حکومت رضاشاه از بدو به قدرت رسیدن تلاش زیادی برای یکپارچه‌سازی و تمرکزگرایی تمامی نهادهای کشور مانند نهادهای علمی و آموزشی از خود نشان داد که این مدارس نیز از این قاعده مستثنی نبودند.

مدارس زرتشتی در این دوران از کمک‌های مالی و معنوی نهادهای دولتی و حکومتی استفاده می‌کردند اما از سوی دیگر بیشتر از قبل تحت نظارت نهادهای دولتی قرار داشتند و ملزم به رعایت قوانین علمی و آموزشی مصوب وزارت معارف بودند. مدارس زرتشتی یزد تلاش زیادی داشتند تا برخلاف سرفصل‌های مصوب وزارت معارف در پایان سال از دانش‌آموزان امتحانات مذهبی درباهی آئین زرتشت و اوستا برگزار کنند که این درخواست در تاریخ ۱۳۱۵/۱۲/۸ از سوی وزارت معارف رد شد (امینی، ۱۳۸۰: ۲۵۸-۲۶۴) و یا معلمی از مدارس دولتی به دلیل تدریس زبان انگلیسی در مدارس زرتشتیان از طرف وزارت معارف مورد توبیخ قرار گرفت (اسناد ملی: ۲۹۷/۲۶۳۵).

مشهورترین مدارس و مؤسسات آموزشی یزد در این دوران عبارت بودند از:

۱- دبیرستان کیخسروی: در حد فاصل سال‌های ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۲ ه.ش و با اضافه شدن کلاس‌های درس به دبستان کیخسروی یزد، این مدرسه تبدیل به دبیرستان شد و با افزایش کلاس‌ها و دانش‌آموزان مدرسه در سال ۱۳۱۵ ه.ش با همت انجمن اکابر پارسی هند ساختمان جدیدی برای مدرسه احداث گردید (سالنامه‌ی دبیرستان کیخسروی، ۱۳۱۵: ۱۹-۲۶؛ سالنامه‌ی فرهنگ یزد، ۱۳۳۲: ۲۶)؛

۲- مؤسسات آموزشی مارکار: آن‌طور که از بررسی اسناد برداشت می‌شود، علی‌رغم تمامی قوانین و مقررات سخت‌گیرانه‌ی وزارت معارف در دوره‌ی رضاشاه بخش زیادی از مدارس زرتشتیان ایران همچنان تحت نظارت و سرمایه‌گذاری پارسیان هند اداره می‌شدند.

پشوتن جی دوسابایی مارکار، از تجار پارسی بمبئی و از اعضای برجسته‌ی انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی، در ۱۰ آوریل ۱۹۲۳ م/ ۲۰ فروردین ۱۳۰۲ ه.ش به تأسیس پرورشگاهی برای کودکان زرتشتی یزد و دهات اطراف یزد اقدام کرد (هوا و اله، ۱۳۴۴: ۱۱۱). در سال ۱۳۰۳ ه.ش وی با گروهی از پارسیان هند به ایران سفر کرد و با مشاهده‌ی وضعیت آموزشی زرتشتیان یزد، پس از بازگشت به هند به جمع‌آوری ۵۰ هزار روپیه برای بهبود وضعیت آموزش و پرورش کودکان زرتشتی پرداخت و این مبلغ را برای احداث مؤسسات آموزشی به ایران ارسال کرد. تا سال ۱۳۰۶ ه.ش همواره ۲۰ کودک در این پرورشگاه حضور داشتند که در مدارس خسروی و کیخسروی یزد به تحصیل مشغول بودند. به تدریج کارگاه‌های خیاطی، نجاری، قالی‌بافی، جوراب‌بافی، پارچه‌بافی و... برای این کودکان ترتیب داده شد تا اوقات فراغت خود را در آنجا مشغول باشند. در خرداد ۱۳۱۲ ه.ش ساخت و ساز ساختمان بزرگ و جدیدی برای مؤسسات آموزشی مارکار آغاز گردید که مجموعاً گنجایش حدود ۸۰۰ دانش‌آموز را داشت. سرانجام این مرکز در مهرماه ۱۳۱۳ ه.ش در حضور خود پشوتن جی مارکار افتتاح شد (کمیته‌ی آموزشگاه‌ها و پرورشگاه‌های مارکار، ۱۳۴۵: ۷-۱۰؛ سالنامه‌ی فرهنگی یزد، ۱۳۲۸: ۴۲). پشوتن جی مارکار به مناسبت خدمات فرهنگی گسترده در یزد سرانجام از سوی دولت ایران نشان درجه‌ی اول علمی دریافت کرد (هوا و اله، ۱۳۴۴: ۱۲۵).

مؤسسه‌ی مارکار تحت سرپرستی انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی اداره می‌شد و با کمک آن‌ها به تأسیس چند مدرسه در یزد و مناطق اطراف آن اقدام کرد. آن‌طور که از گزارش سالیانه‌ی مؤسسات خیریه‌ی مارکار در سال ۱۳۱۵ ه.ش برمی‌آید این مؤسسه مدیریت ۷ مدرسه‌ی دخترانه، ۶ مدرسه‌ی پسرانه و یک پرورشگاه را در یزد برعهده داشت و مجموعاً ۱۰۰۵ کودک و نوجوان دختر و پسر زرتشتی در مدارس و پرورشگاه وابسته به این مؤسسه حضور داشتند (اسناد ملی: ۲۹۷/۳۷۰۴۸).

مؤسسات آموزشی مارکار از پیشگامان تحولات و اصلاحات اجتماعی وسیع در جامعه‌ی سنتی یزد بودند. دبیرستان‌های مارکار هر هفته در روز یکشنبه جلسات انجمن ادبی خود را به صورت مختلط در سالن دبیرستان پسرانه برگزار می‌کردند. همچنین، مدارس دخترانه‌ی وابسته به این مؤسسه از پیشگامان ورزش بانوان و کشف حجاب در یزد و استفاده از لباس‌های نوین بودند (همان).

۳- دبیرستان دخترانه‌ی ایزد پیمان

در سال ۱۲۹۹ ه.ش خانم آرموهی آیدین به‌عنوان مدیر مدرسه‌ی دخترانه میسیون‌های انگلیسی یزد انتخاب شد و این مدرسه مجدداً رونق پیدا کرد. وی در سال ۱۳۰۶ ه.ش این مدرسه را که در آن دختران زرتشتی به

تحصیل می‌پرداختند با مدرسه‌ی دیگری که میسیون‌های مسیحی برای دختران مسلمان یزد ساخته بودند ادغام و دبیرستان دخترانه‌ی ایزد پیمان را برای دختران زرتشتی و غیرزرتشتی تأسیس کرد. این دبیرستان دارای کتابخانه و آزمایشگاه نسبتاً مجهز بود و در آن به دختران خیاطی و آشپزی نیز آموزش داده می‌شد (شکری، ۱۳۷۷: ۲۱۴).

علاوه‌بر مدارس مذکور تعدادی از دبستان‌های زرتشتی یزد مانند ایراندخت و دینیاری در دوره‌ی رضاشاه به دبیرستان تبدیل شدند (سالنامه‌ی فرهنگ یزد، ۱۳۲۸: ۸۵-۸۶؛ همان، ۱۳۳۲: ۳۹-۴۰). همچنین در سال ۱۳۱۴ه.ش ارباب رشید ایدون کودکستانی را مخصوص کودکان زرتشتی و مسلمان در محله‌ی پشت خانه علی بنا کرد و تمامی هزینه‌های آن را برعهده گرفت. این کودکستان علاوه‌بر کلاس‌های ورزش، بازی، سرگرمی و موسیقی دارای یک سالن ناهارخوری بود و هر روز به کودکان نهار و میوه داده می‌شد (همان، ۱۳۲۸: ۶۹؛ همان، ۱۳۲۹: ۷۸).

۲-۳- جلسه‌ی دانش‌پژوهان بانوان زرتشتی یزد

در دوران رضاشاه علاوه‌بر انجمن‌هایی که از دوران قاجار به فعالیت می‌پرداختند (که در بخش قبلی به آن‌ها اشاره شد)، جمعی از زنان تجددخواه زرتشتی به همت یکی از زنان پارسی با نام زربانو ملا انجمنی را به نام «جلسه‌ی دانش‌پژوهان زرتشتی یزد» تشکیل دادند که اهداف کلی آن عبارت بود از: ۱- ایجاد ارتباط و دوستی میان زنان شهرنشین و روستانشین زرتشتی که به همین مناسبت جلساتی با حضور این زنان در یزد تشکیل می‌شد؛ ۲- تدریس مسائل مربوط به خانه‌داری به زنان و دختران زرتشتی؛ ۳- جلوگیری از اسراف و آموزش صرفه‌جویی به زنان؛ ۴- رسیدگی و کمک به فقرا؛ ۵- تشکیل و اداره‌ی کلاس‌های مخصوص زنان؛ ۶- برگزاری کلاس‌های دینی و جلسات سخنرانی برای آشنایی با اخلاقیات و امور دینی؛ ۷- تعلیم و آموزش مسائل دینی از طریق مطبوعات (هوا و اله، ۱۳۴۴: ۱۱۳).

نتیجه

آن‌طور که از بررسی‌های این پژوهش برمی‌آید زرتشتیان یزد تا پیش از ورود نمایندگان جامعه‌ی پارسی به ایران اقلیتی کم‌سواد و فقیر بودند که غالباً به کشاورزی می‌پرداختند و تحت فشارهای اجتماعی زندگی می‌کردند. با حضور مانکجی و سایر نمایندگان پارسیان در ایران، زرتشتیان ایران و به ویژه زرتشتیان یزد توانستند امتیازات اجتماعی زیادی را به دست آورند و نهادهای آموزشی و انجمن‌هایی را تأسیس کنند. بخشی از آنان نیز با ایجاد

ارتباط تجاری با تجار پارسی هند به تجارت پرداختند و به تدریج توانستند به نفوذ سیاسی و اقتصادی زیادی دست پیدا کنند.

زرتشتیان در ایام مشروطه به حمایت‌های مالی و معنوی از مشروطه‌خواهان پرداختند و به کمک قدرت اقتصادی و نفوذ سیاسی خود توانستند کرسی نمایندگی مجلس شورای ملی را نیز تصاحب کنند. در دوران پس از مشروطه با آنکه غالب قوانین کشور زرتشتیان را از نظر عرفی هم‌تراز با سایر ایرانیان قرار می‌داد، همچنان در شهر یزد تحت آزار و اذیت نسبی قرار داشتند و به حقوق برابر با مسلمانان دست نیافتند. هرچند با تلاش‌های افرادی چون ارباب کیخسرو و شاهرخ مدارس و انجمن‌های آنان گسترش و قدرت پیدا کرد و توانستند بخش زیادی از حقوق اجتماعی خود را مجدد به دست آورند. در این دوران زرتشتیان علاوه بر مشکلات بیرونی دچار انشعاب و انشقاق درونی نیز بودند و درگیری زیادی با زرتشتیان بهائی شده داشتند. فشارهای اجتماعی و هرج‌مرج ایجاد شده در اواخر دوره قاجار زرتشتیان را به حمایت از دیکتاتوری مقتدر، باستان‌گرا و ناسیونالیستی رضاخان متمایل کرد. آنان در جریان قدرت‌گیری، جمهوری‌خواهی و تغییر سلطنت از حامیان رضاشاه بودند و با قدرت‌گیری وی سعی در بهبود وضعیت اجتماعی خود داشتند. بسیاری از حقوق اجتماعی و شهروندی در این دوران به زرتشتیان یزد و سایر شهرهای ایران تعلق گرفت و بخش عمده‌ای از فشارهای اجتماعی از گرده‌ی آنان برداشته شد؛ هرچند که با توجه به نگاه اقتدارگرایانه و تمایلات تمرکزگرایانه‌ی حکومت رضاشاه بخش زیادی از اختیارات انجمن‌ها و مدارس زرتشتی نیز در همین ایام از بین رفت.

پی‌نوشت

۱. رشد پارسیان در هند به‌طوری بود که به دلیل داشتن صرافی و انجام فعالیت‌های اقتصادی به یهودیان هندوستان معروف بودند (شورش هندوستان، ۱۳۷۲: ۱۳۱-۱۳۲). نفوذ اقتصادی و اجتماعی آنان در قرن نوزدهم میلادی در بمبئی تحت حمایت‌های بریتانیا به حدی رسید که هنگام تأسیس اتاق تجارت (بازرگانی) بمبئی در سال ۱۸۳۶م تمام اعضای ده نفره‌ی آن از پارسیان هند بودند (هینل، ۱۳۸۶: ۱۷). نفوذ آنان در

جامعه‌ی هند تا حدی رشد پیدا کرده بود که اولین نماینده‌ی هندوستان در مجلس عوام انگلستان یکی از پارسیان به نام دکتر دادا بوهوی نااوروجی بود (دستمالچی، ۱۳۸۳: ۳۰).

۲. انجمن اکابر پارسیان هند.

۳. اصل دوم قانون اساسی مشروطه: مجلس شورای ملی نماینده‌ی قاطبه‌ی اهالی مملکت ایران است که در امور معاشی و سیاسی وطن خود مشارکت دارند.

۴. جایگاه اقتصادی وی تا حدی رشد پیدا کرده بود که عملاً به دولت ایران در مواقع لزوم پول قرض می‌داد به طوری که با توجه به نامه‌ای که مرنار، خزانه‌دار ایران، به سفیر انگلستان در تاریخ ۱۵ ربیع‌الاول ۱۳۳۰ ه.ق/۴ مارس ۱۹۱۲ م ارسال کرد میزان بدهی دولت ایران به تجارتخانه‌ی جمشیدیان ۴۰۰۰۰۰ قران (۴۰ هزار تومان) اعلام شد (عیسوی، ۱۳۶۲: ۱۵۵).

۵. در تمامی اسناد و مکتوبات نام وی با املا‌ی کیومرث مورد استفاده قرار گرفته است.

کتابنامه

اسناد سازمان اسناد ملی ایران: شناسه‌ی اسناد: ۲۹۷/۱۲۱۹۲، ۲۹۷/۱۲۲۱۶، ۲۹۷/۱۲۱۹۴، ۲۹۷/۱۵۷۵۰، ۲۹۷/۳۷۰۴۸، ۲۹۷/۶۰۴۲، ۲۹۷/۲۶۳۵، ۲۵۰/۶۹۳، ۲۹۳/۶۰۶۲، ۲۵۰/۶۹۳، ۲۹۷/۶۰۴۲، ۲۹۷/۳۷۰۴۸
اسناد مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر ایران: شماره‌ی اسناد ۱۷۰۸۹-۱۷۰۹۰، ۴۷۵۵۰-، ۱۷۰۸۲، ۴۷۲۷۱-۴۷۲۸۱ ن.

مرکز اسناد وزارت امور خارجه، کارتن ۲۸، پرونده ۳۸.

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره‌ی اول: جلسه‌ی پنجم: ۱۲ شوال ۱۳۲۴ ه.ق، جلسه‌ی نهم: پنجشنبه نوزدهم شوال ۱۳۲۴، جلسه‌ی ۱۰۴: چهارم جمادی‌الاول ۱۳۲۵ ه.ق، جلسه‌ی ۱۶۵: ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ ه.ق، دوره‌ی ششم: جلسه‌ی ۸۴، یکشنبه ۲۰ فروردین ماه ۱۳۰۶.

اشیدری، جهانگیر (۱۳۵۵) تاریخ پهلوی و زرتشتیان، تهران: انتشارات ماهنامه هوخ.

_____ (۱۳۵۵) یادداشت‌های ارباب کیخسرو شاهرخ، به کوشش جهانگیر اشیدری، تهران: پرچم.

افخمی، مهناز (۱۹۸۶)، «مصاحبه با رستم صرفه»، تاریخ شفاهی ایران، جلد ۴، کالیفرنیا: بنیاد مطالعات ایران.

امیرطهماسب، عبدالله (۱۳۰۵)، تاریخ شاهنشاهی اعلیحضرت رضاشاه پهلوی، تهران: مطبوعه مجلس، ۱۳۰۵.

امیرخیزی، اسماعیل (۱۳۳۹)، قیام آذربایجان و ستارخان، تهران: کتابفروشی تهران، ۱۳۳۹.

اورسل، ارنست (۱۳۸۲)، سفرنامه‌ی قفقاز و ایران، ترجمه‌ی علی اصغر سعیدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

اولیویه (۱۳۷۱)، سفرنامه‌ی اولیویه، ترجمه‌ی محمداطاهر میرزا، تصحیح غلامرضا وره‌رام، تهران: انتشارات اطلاعات.

براون، ادوارد (۱۳۲۹)، انقلاب ایران، ترجمه‌ی احمد پژه، تهران: کانون معرفت.

بهرامی، عبدالله (۱۳۶۳)، خاطرات از آخر سلطنت ناصرالدین شاه تا اول کودتا، تهران: انتشارات علمی.

پاتینجر، هنری (بی تا)، سفرنامه‌ی پاتینجر «مسافرت سند و بلوچستان»، ترجمه‌ی شاهپور گودرزی، تهران: کتابفروشی دهخدا.

پوررستمی، فرامرز (۱۳۸۷)، انجمن زرتشتیان تهران، یک سده تلاش و خدمت، تهران: فروهر.

تشکری بافقی، علی اکبر (۱۳۷۷)، مشروطیت در یزد، یزد: مرکز یزد شناسی.

جکسن، ابراهیم و. ویلیامز (۱۳۸۷)، سفرنامه‌ی جکسن «ایران در گذشته و حال»، ترجمه‌ی منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، چاپ پنجم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

خانیکف، نیکولای ولادیمیروویچ (۱۳۷۵)، سفرنامه خانیکف، ترجمه‌ی اقدس یغمایی و ابولقاسم بی گناه، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.

دالمانی، هانری رنه (۱۳۳۵)، از خراسان تا بختیاری، جلد سوم، ترجمه‌ی فره‌وشی مترجم همایون، تهران: امیرکبیر.

دروویل، گاسپار (۱۳۶۵)، سفر در ایران، ترجمه‌ی منوچهر اعتماد مقدم، چاپ سوم، تهران: شباویز.

دستمالچی، اصغر (۱۳۸۳)، تاریخ روابط ایران و هند، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

دو روشسوار، کنت (۱۳۷۸)، خاطرات سفر در ایران، ترجمه‌ی مه‌ران توکلی، تهران: نشر نی.

دوگوبینو، کنت (۱۳۸۳)، سه سال در آسیا، ترجمه‌ی عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: نشر قطره.

رویس، کلارا کولیور (۱۳۸۳)، سفرنامه‌ی کلارا رایس «زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان»، ترجمه‌ی اسدالله آزاد، تهران: نشر کتابدار.

ریچاردز، فرد (۱۳۷۹)، سفرنامه‌ی فرد ریچاردز، ترجمه‌ی مهین دخت صبا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

زارع، اردشیر (بی تا)، خاطرات اردشیر زارع، جلد ۲، تهران: نسخه‌ی تایپی موجود در آرشیو کتابخانه‌ی یگانگی.

سالنامه‌ی دبیرستان ایران شهر (۱۳۱۷)، یزد: گلبهار.

سالنامه‌ی دبیرستان کیخسروی (۱۳۱۵)، یزد: گلبهار.

سالنامه‌ی فرهنگ یزد (۱۳۲۸)، یزد: گلبهار.

سالنامه‌ی فرهنگ یزد (۱۳۲۹)، یزد: گلبهار.

سالنامه‌ی فرهنگ یزد (۱۳۳۲)، یزد: گلبهار.

سالنامه و آمار ۱۳۱۹-۱۳۲۰ ه.ش (۱۳۲۰)، تهران: وزارت فرهنگ.

سایکس، سر پرسى (۱۳۶۸)، تاریخ ایران (ده هزار مایل در ایران)، جلد ۲، ترجمه‌ی محمدتقی داعی گیلانی، تهران: دنیای کتاب.

سفیدوش، سیاوش (بی‌تا)، یار دیرین، مؤسسه‌ی ملی مطبوعات امری.

شهمردان، رشید (۱۳۶۰)، تاریخ زرتشتیان پس از ساسانیان، تهران: چاپخانه‌ی راستی.

_____ (۱۳۶۳)، تاریخ زرتشتیان، فرزندگان زرتشتی، تهران: نشر فروهر.

شورش هندوستان (۱۸۵۷ م. ۱۲۷۴ ه.ق) (۱۳۷۲)، ترجمه‌ی اوانس ماسیان، به‌کوشش صفاء‌الدین تیرائیان، تهران: انتشارات نیلوفر.

صفایی، ابراهیم (۱۳۶۳)، رهبران مشروطه، جلد ۱، تهران: سازمان انتشارات جاویدان.

فاضل‌مازندرانی، اسدالله (بی‌تا)، تاریخ ظهور الحق، جلد ۸، مؤسسه‌ی ملی مطبوعات امری.

فلاندن، اوژن (۲۵۳۶)، سفرنامه‌ی اوژن فلاندن، ترجمه‌ی حسین نور صادقی، چاپ سوم، تهران: انتشارات اشراقی.

قاسمی پویا، اقبال (۱۳۷۷)، مدارس جدید در دوره‌ی قاجاریه - بانیان و پیشروان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

کاتوزیان (تهرانی)، محمدعلی (۱۳۷۹)، مشاهدات و تحلیل اجتماعی و سیاسی از تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار.

کازاما، آکی نو (۱۳۸۰)، سفرنامه‌ی کازاما، ترجمه‌ی دکتر هاشم رجب‌زاده، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

کتاب آبی (گزارش‌های محرمانه‌ی وزارت امور خارجه‌ی انگلیس درباره‌ی انقلاب مشروطه‌ی ایران) (۱۳۶۲)، به‌کوشش احمد بشیری، ج ۲، تهران: نشر نو.

کرزن، جرج (۱۳۷۳)، ایران و قضیه‌ی ایران، ترجمه‌ی غلام‌علی وحید مازندرانی، ج ۲، تهران: علمی فرهنگی، ج ۴.

کمره‌ای، سیدمحمد (۱۳۸۲) روزنامه‌ی خاطرات، به‌کوشش محمد جواد مرادی‌نیا، جلد ۲، تهران: نشر و پژوهش شیرازه.

مادام دیولافوآ (۱۳۶۱)، سفرنامه‌ی دیولافوآ (ایران و کلده)، ترجمه‌ی فره‌وشی، تهران: کتابفروشی خیام.

ناظم الاسلام کرمانی، میرزا محمد (۱۳۵۷)، تاریخ بیداری ایرانیان، به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی، بخش اول (جلد ۱، ۲، ۳)، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

نیکو، میرزا حسن (۱۳۹۰)، فلسفه‌ی نیکو، تحقیق امیرعلی مستوفیان، ج ۲، تهران: راه نیکان.

Karaka, Dosabhai Framji (1884), History of the Parsis, Vol.1, London: Macmillian and co.

مقاله‌ها

«درباه‌ی انتخابات گردش تازه انجمن» (۲۵۳۷)، فروهر، سال سیزدهم، شماره‌ی ۳.

«کنکاش موبدان یزد» (۱۳۵۹)، پیک کنکاش موبدان تهران، شماره‌ی ۱.

«یادبود سالروز درگذشت پشوتن جی دوسابانی مارکار» (۱۳۴۵)، کمیته‌ی آموزشگاه‌ها و پرورشگاه‌های مارکار.

آذر گشنسب، اردشیر (۱۳۶۹)، «تاریخچه‌ی تأسیس انجمن موبدان تهران»، فروهر، سال ۲۵، شماره‌ی ۱ و ۲.

اشرف نظری، علی (۱۳۸۶)، «ناسیونالیسم و هویت ایرانی، مطالعه‌ی موردی دوره‌ی پهلوی اول»، پژوهش حقوق و سیاست، سال نهم، شماره‌ی ۲۲.

بویس، مری (۱۳۶۴)، «مانکجی لیمجی هاتریا در ایران»، چپستا، سال ۳، شماره‌ی ۲۶.

تشکری، علی اکبر (۱۳۸۹)، «زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی زرتشتیان یزد در دوران قاجار (۱۲۱۰-۱۳۴۴ه.ق.)»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۲۷۷ و ۲۷۸.

رسولی، مرتضی (۱۳۸۲): «زرتشتیان معاصر (گفتگو با بوذرجمهر مهر)»، تاریخ معاصر ایران، سال هفتم، شماره‌ی ۲۸.

شهریاری، پرویز (۱۳۵۴)، «پارسی‌نامه»، فروهر، سال ۱۰، شماره‌ی ۵.

شهزادی، رستم (۱۳۴۵)، «تاریخ انجمن‌های زرتشتیان»، هوخ، سال هفدهم، شماره‌ی ۵.

طاهراحمدی، محمود (۱۳۷۸)، «سیر تحول برنامه‌ی تحصیلی از مشروطه تا پایان سلطنت رضاشاه»، گنجینه‌ی اسناد، شماره‌ی ۳۵ و ۳۶.

عزیزی، حمید؛ کرمان، حسن (۱۳۹۴)، «نقش بازرگانان در بافت تاریخی شهر یزد در عصر قاجار»، تاریخ اسلام، سال شانزدهم، شماره‌ی ۱، صص ۲۳۱-۲۶۱.

فروزان، امیررضا (۱۳۸۷)، «خبرنامه‌ی انجمن مفاخر»، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، سال اول، شماره‌ی ۵.

کشاوری، کیخسرو (۱۳۷۳)، «بنیاد اجتماعی اقلیت کنونی زرتشتیان ایران»، چپستا، شماره‌ی ۱۰۸ و ۱۰۹.

مهر، فرهنگ (۱۳۴۸)، «سهم زرتشتیان در انقلاب مشروطیت ایران - سخنرانی آقای دکتر فرهنگ مهر در دانشگاه اصفهان»، هوخ، سال بیستم، شماره ۳.

مهنامه‌ی زرتشتیان، شماره‌های ۴۴، ۴۵، ۴۶، تیرماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی.

میرحسینی، محمدحسن (۱۳۸۸)، «روند بهبود امور زرتشتیان ایران و حذف جزیه از ایشان در دوره‌ی ناصرالدین شاه»، پژوهش‌های علوم تاریخی، سال ۱، شماره ۱.

نادری، افشین (۱۳۸۲)، «گزارشی از وضعیت ایرانیان زرتشتی»، اخبار ادیان، سال اول، شماره ۳.

هینل، ژهن (۱۳۸۶)، «پارسیان بمبئی - دولت بریتانیا»، ترجمه‌ی رشید شهردان، فروهر، سال ۴۲، ش ۴۲۵.

روزنامه‌ها

حبل‌المتین (۱۳۲۳)، سال سیزدهم، شماره ۲۱، ۱۹ ذی‌القعدة.

حبل‌المتین (۱۳۲۴)، سال چهاردهم، شماره ۲۱، ۲۱ ذی‌القعدة.

روزنامه‌ی حکایت وقایع جانگداز یزد الی شیراز، ۱۳۲۹ ه.ق.

صوراسرافیل (۱۳۲۵)، سال اول، شماره‌ی هفده، ۱۴ شوال.

پایان نامه

حمیدفر، زهره (۱۳۹۶)، پارسیان هند و تأثیرات آن‌ها بر تحولات مذهبی و فرهنگی زرتشتیان یزد از عصر ناصری تا پایان حکومت قاجار (۱۲۲۷-۱۳۰۴ ش)، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آیت‌الله حائری میبد. علیپور سیلاب، جواد (۱۳۸۸)، نقش سیاسی و فرهنگی زرتشتیان در دوره‌ی قاجار، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.

کمایی، کشور (۱۳۸۵)، بررسی وضعیت زرتشتیان ایران در دوره‌ی قاجار از پادشاهی ناصرالدین شاه تا پایان قاجار، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.

کنعانی، افسانه (۱۳۹۴)، بررسی موقوفات زرتشتیان یزد در دو سده‌ی اخیر، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، رشته‌ی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، پردیس علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه یزد.

نیک‌روش، مرتضی (۱۳۹۱)، حیات اجتماعی اقتصادی زرتشتیان یزد در عصر قاجار، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، رشته‌ی ایران‌شناسی، دانشگاه یزد.

هوا واله، صبر (۱۳۴۴)، «روابط پارسیان هند با ایران»، پایان‌نامه‌ی مقطع دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران.

یوسفی، سهیلا (۱۳۹۵)، مواضع دولت قاجار در برابر فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی زرتشتیان»، پایان-نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

Social status of Yazd Zoroastrians from Constitutional Revolution until 1320

Hosein Moftakhari¹

Masoud Dadbakhsh²

Abstract:

The city of Yazd was considered to be the main focus of Zoroastrian Iran in the past, and most Zoroastrians lived in the city under a lot of social and economic pressures. Since the rule of Nasser-al-Din Shah and with the efforts of representatives of the Persian community of India, the Iranian Zoroastrians gradually enjoyed more social rights, and some of them were able to relate to the business of the city of Yazd, Get the right social. With the victory of the Constitutional Revolution, and because of Zoroastrian financial and political support for the movement, their situation in the community improved and even reached the seat of the first assembly of the National Assembly. The Zoroastrians used their political and economic influence to improve their socioeconomic status and established many schools and social and economic institutions in the cities of Iran, especially in Yazd. This trend continued in a different way during the reza Shah Pahlavi era. The main issue in this study is the study of the social and economic status of followers of this religious minority in Yazd, between the Constitutional Revolution and the end of the first Pahlavi period. In this research, it has been tried to examine documents, books of memories, descriptive-analytical methods, Travelogues and other sources and literature related to the subject area discussed.

The findings of this research indicate that the social and livelihood status of Zoroastrians in Yazd has improved in the period between the Constitutional Revolution and the year 1320

KeyWords: Social Status, Zoroastrians, Yazd, Constitutional Revolution, Reza Shah.

¹ . Professor of History at Kharazmi University.

Moftakhari@khu.ac.ir

² . PH.D. of History of Islamic Iran from Kharazmi University

Dadbakhsh.Masoud@gmail.com